

جستاری در تحلیل گونه‌شناسی خانه‌های سنتی کرمانشاه در دوره قاجار؛ عوامل فرهنگی مؤثر بر رابطه جنسیت و فضا

چکیده

به دلیل تغییرات پیش آمده سبک زندگی در قرون گذشته، خانه‌های سنتی به طرز فاجعه‌آمیزی در معرض تخریب قرار دارند. با توجه به اینکه بخش اعظم بناهای تاریخی را خانه‌های سنتی تشکیل می‌دهند می‌توان به اهمیت بررسی و توجه به این نوع بناها پی برد. بنابراین مسئله گونه‌بندی خانه‌های سنتی و دسته‌بندی الگوهای به‌کار رفته در آنها، جهت شناخت و دسته‌بندی بناهای مشابه می‌تواند حائز اهمیت باشد؛ چراکه می‌توان همان الگوها را به گونه‌ای امروزی در بناهای جدید مورد استفاده قرار داد و در روند مانایی این کهن‌الگوها گامی اساسی برداشت. خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کنند می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود. ورود زنان و مردان به برخی از عرصه‌ها، به‌علت زنانه و مردانه تلقی شدن، محدود یا تشویق می‌شود؛ بنابراین، برخی اماکن به‌عنوان «عرصه‌های زنانه» و برخی دیگر «عرصه‌های مردانه» شناخته می‌شوند. در دوران مختلف تاریخ ایران، تعاریف و دیدگاه‌ها نسبت به زن و هویت جنسیتی زنان و مردان متفاوت بوده که پارادام‌های غالب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آیینی را می‌توان در تحولات این دیدگاه‌ها دخیل دانست. همچنین تفاوت دیدگاه‌ها موجب تغییر عرصه‌های جنسیتی، گسترش یا محدودیت آنها شده است. در این پژوهش که از طریق روش تحلیلی و بررسی تاریخی بناها انجام شده است تلاش می‌شود به بررسی گونه‌های خانه‌های سنتی کرمانشاه و عوامل مؤثر بر جنسیت و فضا در خانه پرداخته شود. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که عوامل فرهنگی چون باورهای آیینی، نحوه پوشش و آموزش زنان، رابطه جنسیت و فضا را متغیر ساخته است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی گونه‌های خانه‌های کرمانشاه و ارتباطات فضایی آنها.

۲. بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر رابطه جنسیت و فضا.

سوالات پژوهش:

۱. آیا گونه‌های متفاوت خانه در کرمانشاه بر ارتباطات فضایی تأثیر دارد؟

۲. آیا عوامل فرهنگی بر ارتباط جنسیت و فضاها تأثیر دارد؟

کلیدواژه‌ها: گونه‌شناسی، خانه‌های سنتی، خانه‌های قاجاری، جنسیت و فضا.

مقدمه

نیاز به سرپناه همواره یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان بوده است. بر این اساس، خانه‌ها را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین آثار معماری به‌شمار آورد؛ به‌طوری‌که عناصر دیگر معماری از بُعد زمان فرع بر آن‌ها می‌باشد. خانه یکی از مباحث مهم در معماری می‌باشد که کم‌تر به آن پرداخته شده است. نیاز به خانه (به مفهوم واقعی) در این زمان بسیار احساس می‌شود، ولی می‌بایست با شناخت معماری گذشته و تطبیق آن با معماری معاصر این نیاز را به‌درستی برطرف کرد. گونه‌شناسی از روش‌ها و فعالیت‌های کلیدی کاربردی و راهگشا در علوم مختلف به‌خصوص در مرحله شناخت می‌باشد. بنابراین می‌توان با گونه‌شناسی خانه‌ها به شناخت کامل‌تر و جامع‌تری از آن‌ها دست یافت که انجام آن تأمل و مطالعات ویژه‌ای بر اصل موضوع گونه‌شناسی را ایجاب می‌نماید.

تغییر و تحول شیوه زندگی در شهر کرمانشاه در اواخر دوره قاجار و به‌ویژه بعد از دوران مشروطه را می‌توان در شکل‌گیری مدارس نوین، توسعه تعاملات اجتماعی با اقلیت‌های مذهبی و خارجی، تحولات در مدیریت شهر، تأثیر معماری اتباع خارجی و تعاملات اقتصادی با غرب جست‌وجو کرد. در اواخر قاجار و بعد از مشروطیت، اوضاع فرهنگی کرمانشاه مسیری رو به توسعه و ترقی نهاد. پایه‌گذاری مدارس نوین در اواخر دوره قاجار در ابتدا توسط اقلیت‌های مذهبی آغاز به کار کرده است. توجه به مدارس نوین و علم‌گرایی، بدون شک، تأثیر عمیق در باورها و گرایش‌های ذهنی مردم جهت گام نهادن به دنیای جدید و شیوه زندگی نوین را ارمغان می‌داد. در این شیوه زندگی جدید، توجه به بانوان و مقبولیت آن‌ها در عرصه جامعه کم‌کم مورد پذیرش بوده و تأثیر عمیقی در کم‌تر شدن فاصله و حریم زنانگی و مردانگی داشت. از سوی دیگر، وجود اقلیت‌های مذهبی نظیر یهودیان و مسیحیان در کرمانشاه در دوره قاجار قابل توجه بوده است.

اتباع بیگانه در شهر به‌صورت تدریجی فرهنگ خود را در غالب الگوهای رفتاری نظیر برپایی جلسات و مجالس، طرز ویژه لباس پوشیدن، غذا خوردن و تعامل اجتماعی با خانواده در جامعه به معرض نمایش می‌گذاشتند. تعاملات اقتصادی با غرب نیز در تغییر سبک زندگی مؤثر بود. در اواخر قاجار موقعیت خاص قرارگیری شهر کرمانشاه بر سر راه ارتباطی غرب به شرق و مرکز ایران اهمیت تجاری این شهر را دوچندان کرده بود؛ بنابراین در ابتدای کار تحقیقاتی، به بررسی تعاریف و مفاهیمی از گونه‌شناسی با استفاده از کتب و نظرات اساتید آگاه پرداخته و در ادامه آنچه مهم به‌نظر می‌رسیده است جمع‌آوری اطلاعات، شناخت و شناسایی بافت تاریخی می‌باشد. پس از دستیابی به بخشی از اطلاعات به معرفی گونه‌های مختلف خانه در کرمانشاه پرداخته شده است و در ادامه به بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر رابطه جنسیت و فضا پرداخته شده است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا نگارنده با تکیه بر روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته است.

نتیجه‌گیری

همه افراد مذکر و مؤنث جامعه در طول فرآیند اجتماعی‌شدن، می‌آموزند که گروه خاصی از فعالیت‌های زنانه و نحوه دیگری از رفتارها مردانه، تلقی می‌شود. به همین ترتیب، ورود زنان و مردان به برخی از عرصه‌ها، به‌علت زنانه و مردانه تلقی شدن، محدود یا تشویق می‌شود؛ بنابراین، برخی اماکن به‌عنوان «عرصه‌های زنانه» و برخی دیگر «عرصه‌های مردانه» شناخته می‌شوند. در دوران مختلف تاریخ ایران، تعاریف و دیدگاه‌ها نسبت به زن و هویت جنسیتی زنان و

مردان متفاوت بوده که پارادام‌های غالب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آیینی را می‌توان در تحولات این دیدگاه‌ها دخیل دانست. همچنین تفاوت دیدگاه‌ها موجب تغییر عرصه‌های جنسیتی، گسترش یا محدودیت آن‌ها شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که عوامل فرهنگی چون باورهای آیینی، نحوه پوشش و آموزش زنان و رابطه جنسیت و فضا را متغیر ساخته است. همچنین عوامل اجتماعی شامل ساختار قدرت، طبقه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی، حضور زنان در برخی عرصه‌های جمعی را منع کرده و قوانین مردسالارانه، بسیاری از مجالس رسمی را مختص مردان معرفی کرده است. از سوی دیگر، ورود مردان به عرصه‌های منحصراً زنانه بسیار محدودتر از تحرک زنان در فضاهای کاملاً مردانه بوده است. چنانچه با ورود فرهنگ غرب در اواخر عصر قاجار و بازاندیشی در هنجارهای سنتی، بسیاری از عرصه‌های مردانه به فضاهای جمعی مشترک تغییر یافتند. تأثیر طبقه اجتماعی بر عرصه‌های خصوصی به صورت تشدید درون‌گرایی و جدایی‌گزینی در طبقات مرفه و پیوستگی عرصه‌های جنسیتی در خانه‌های فقیرنشین بروز می‌یابد. با این حال در خانه‌های دسته دوم نیز مرز فعالیت‌های دو جنس مشخص بوده و تنها شیوه عرصه‌بندی فضاها متفاوت می‌شود. یافته‌های پژوهش مشخص می‌سازد که عوامل اقتصادی شامل شیوه معیشت و منطقه جغرافیایی، فضای اجتماعی و نیز خصوصی را تغییر می‌دهد.

از سوی دیگر، پس از بررسی‌های میدانی گونه‌های مسکونی شهر کرمانشاه از منظر بهره‌مندی از طبیعت و فضاهای باز، بسته و نیمه‌باز، فضاهای اقامت طولانی و کوتاه‌مدت، نقش بدنه‌ها، انواع نور در فضاها و شیوه هم‌نشینی با طبیعت مشخص می‌شود که خانه‌های قدیمی شهر کرمانشاه در نوع خود دارای ارزش و غنای فرهنگی می‌باشند. نتایج حاصل از بررسی چند مورد خانه‌های شاخص سنتی در کرمانشاه به شرح زیر بیان شده است: شاخص‌ترین خانه‌های سنتی کرمانشاه متعلق به دوره قاجار و بعضاً اوایل پهلوی اول می‌باشند. اکثر بناها دو اشکوبه بوده و دارای یک یا دو حیاط می‌باشند. درون‌گرایی مسئله‌ای است که در اکثر خانه‌ها به‌عنوان یک اصل مشترک وجود دارد و در تعداد معدودی برون‌گرایی مشاهده می‌شود یا درون‌گرا بوده است و در دوره‌ای برون‌گرا شده است. در مورد خانه «سوری» به‌دلیل تغییر ساختار نمی‌توان به قطعیت در مورد درون‌گرا یا برون‌گرا بودن این بنا صحبت کرد. ارسی عنصر مشترک دیگری است که در تمام خانه‌ها وجود دارد و نورگیری اتاق‌های خاصی توسط این ارسی‌های زیبا اتفاق افتاده است. پوشش بام بناها عموماً به صورت تخت و در برخی شیروانی پوش است، در برخی از آن‌ها به وسیله سبابی که در یک ضلع بنا در داخل کوچه ایجاد شده از فضای داخل کوچه هم استفاده کرده‌اند. مصالح بناها عمدتاً آجر، خشت، چوب و ملاتشان گل‌آهک و در بخش‌هایی نیز از کاهگل استفاده شده، تزئینات بناها اکثراً آجرکاری است. در مورد بدنه‌ها و نماهای خارجی خانه‌های کرمانشاه؛ به‌دلیل اقلیم سرد این منطقه بیشترین بخش نما را بازشوهای جبهه‌های شمالی و جنوبی دربر گرفته‌اند که علاوه بر آنکه نقش نورگیری را ایفا می‌کرده‌اند؛ به‌نحوی نمای قرینه و متوازن این منازل را نیز شکل می‌داده‌اند که در کنار دو اشکوبه بودن منازل و ستون‌های موجود در نمای خانه‌ها؛ گویای نماهای خاص این منازل است. ورودی خانه‌ها با یک هشتی آغاز می‌شده است که دارای طاق‌نماهای آجری می‌باشد و پس از آن وارد حیاط بیرونی می‌شده‌اند. در یک ضلع این حیاط‌ها معمولاً حوض خانه قرار دارد که حد فاصل اندورنی و بیرونی است؛ یعنی از هر دو طرف نور می‌گرفته اما ورودی آن از حیاط اندورنی است. در طبقه فوقانی حوض خانه گاهی اطاق‌هایی قرار دارد که آن‌ها نیز از هر دو حیاط نور می‌گرفته‌اند. پس از عبور از راهرو وارد حیاط اندورنی می‌شده‌اند. تالار خانه در یک ضلع واقع است با یک ارسی و چند در کوچک‌تر. در طرفین ارسی معمولاً اتاق‌هایی قرار داشته‌اند که مستقلاً به ایوان باز می‌شده‌اند. در ضلع دیگر نیز اتاق‌هایی قرار داشته‌اند و در طبقه همکف معمولاً حمام قرار داشته است که

سقف آن‌ها اکثراً به صورت گنبدی بوده است. طبقه پایین و بالا دارای ایوان ستون‌دار بوده؛ این ستون‌ها منحصرأ به یک شکل نبوده‌اند، به عنوان نمونه در خانه «زنده‌کش»؛ ستون‌های طبقه همکف آجری و چهارگوش می‌باشد، در حالی که طبقه فوقانی با ستون‌هایی با مقطع گرد و سرستون‌های مقرنس تزئین یافته است. طبقه اول معمولاً دارای ایوان بوده است که با چند ستون و نیم‌ستون متصل به دیوار که عموماً مقاطع مدور داشته‌اند تزئین شده‌اند. این ستون‌ها با سرستون‌های مقرنس آجری و معقلی‌های رنگی تزئین می‌شده‌اند و نرده‌های آهنی این ایوان‌ها را محصور کرده است. درهای ورودی خانه‌ها دارای چفت و کلون و کلیدهای بعضاً با اندازه‌های خاص بوده است.

منابع و مأخذ:

ابولقاسمی، لطیف. (۱۳۸۴). هنر و معماری اسلامی ایران. چاپ اول، تدوین: علی عمرانی‌پور، تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.

اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت. سنت عرفانی در معماری ایرانی. تهران: نشر خاک.

بارکر، کریس. (۱۳۹۶). مطالعات فرهنگی: نظریه و عملکرد. مترجمان: نفیسه حمیدی، مهدی فرجی. ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

براتی، ناصر. (۱۳۸۲). «بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی»، نشریه خیال، شماره ۸، ۵۵-۲۴.

ثروت‌جو، حمید؛ ارمغان، مهتاب. (۱۳۹۱). «سازماندهی فضایی مسکن معاصر: بهره‌گیری از الگوی معماری سنتی». همایش ملی صد سال معماری و شهرسازی ایران معاصر، کرج: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان البرز. بمانیان، محمد. (۱۳۹۰). «بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم». دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۲.

بنجامین، سمیوئل گرین ویلر. (۱۳۹۴). ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین‌شاه). تهران: انتشارات اطلاعات.

پولاک، ادوارد یاکوب. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان). مترجم: جهان‌داری، تهران: نشر کیکا.

پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۶). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: علمی.

----- (۱۳۸۷). معماری ایرانی. تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.

تقوایی، و. (۱۳۸۶). «نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن». هنرهای زیبا شماره ۳۰، تهران.

حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه فرهنگ طبیعت، بررسی معماری خانه‌های تاریخی به منظور تدوین برآیند طراحی خانه. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

ذوالفقارزاده، حسین. (۱۳۸۵). «اصول پویا در معماری گذشته ایران، سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ارگ بم)»، سازمان میراث فرهنگی.

سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۲). «فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران». معاونت امور اجتماعی و شهرداری تهران.

شیل، لیدی. (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل (همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه). ترجمه: حسین ابوترابیان، تهران: نو.

طیسی، محسن. و مختاری، معصومه. (۱۳۹۳). «بررسی تحلیل سازماندهی فضایی در خانه‌های قدیمی دوره قاجار شهر یزد». دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری.

فرشادفر، ز. (۱۳۹۲). «گونه‌شناسی معماری مسکونی کرمانشاه با هدف ارائه الگوی مسکن». افهمی، اصغرزاده.

قاسمی سیچانی، مریم، معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۹). «گونه‌شناسی خانه دوره قاجار». هویت شهر، شماره ۷، ۹۴-۷۸.

قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: انتشارات علم معمار.

کاپن، دیوید. اسمیت. (۱۳۸۸). مبانی معماری غرب. مترجم: علی یاران. جلد دوم و سوم. تهران: انتشارات شهیدی.

کاتب، فاطمه. (۱۳۸۴). معماری خانه‌های ایرانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کرانت واتسن، رابرت. (۱۳۵۶). تاریخ ایران دوره قاجار. مترجم: وحید مازندرانی. تهران: امیرکبیر.

گروته، هوگو. (۳۶۹). سفرنامه گروته. مترجم: مجید جلیلود، تهران: انتشارات مرکز.

معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۰). سیری در مبانی نظری. تهران: سروش دانش.

----- (۱۳۸۷). آشنایی با معماری مسکونی ایران - گونه‌شناسی درونگرا. تهران: انتشارات سروش دانش.

مهرآبادی، میترا. (۱۳۷۹). زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی. تهران: ناشران آفرینش، روزگار.

نورآقایی، آ. (۱۳۸۶). «معماری ایرانی»، معماری درونگرا. تهران: نشریه تهران امروز.

Miller, D. (۲۰۰۵). "Making Love in Supermarkets", in Amin, A; Thrift, N; (eds), Blackwell: The Blackwell Cultural Economy Reader.